

تکه‌ای از آسمان

بیتافرخی



بهار ۱۳۹۷

تک‌های از آسمان



نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.
شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

www.shadan-pub.com
shadan@shadan-pub.com

نویسنده: بیتا فرخی

نوبت چاپ: چهارم، بهار ۱۳۹۱

ویراستار: کورش پاکفر

شابک: ۹۰۸-۶۶۴-۲۹۱۹-۴۱-۳

کتابخانه ملی: ۲۰۷۲۳۷۹

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۴۲۰۰۰۰ ریال

فرخی، بیتا

تک‌های از آسمان - نویسنده: بیتا فرخی /

تهران: شادان، ۱۳۸۹، ۵۶۸ صفحه /

(ارمان ۱۱۱۹)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۴۱-۳

ISBN: 978-964-2919-41-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

داستانهای فارسی - قرن ۱۴

ت ۸ ۳۱۳ ر، PIR ۸۱۶۵

۱۳۸۹

کتابخانه ملی ایران

۸ فا ۳ / ۶۲

۲۰۷۲۳۷۹

یادآوری: کپی‌های غیرمجاز این اثر متعلق
به انتشارات شادان نیست و هرگونه
استفاده از آن با مجوز ناشر مجاز نیست.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتاب‌های شادان برای قرار
دادن در سایت‌های مختلف به هر شکل -
غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

تا کجا، تا چند؟!

روزها و ساعت‌ها بدون توقف برای ما، و حتی بدون توجه به احوال ما می‌گذرند و زندگی همچنان در جریان است. زمان برای کسی نمی‌ایستد و صبر نمی‌کند، فقط ما یا می‌توانیم خود را به این قافله متصل کنیم و یا این که در چشم برهم زدنی جا می‌مانیم.



به راستی در میان این روزهای عمر، چقدر از آن را در حسرت می‌پیماییم و در نهایت از امروز هم جامانده‌ایم! یا حتی به اندک از اکنون خویش را به امید روزهای نیامده و خیره‌دازی در مورد آن گذرانده‌ایم و باز هم از امروز غافل مانده‌ایم.

آن که این جمله طنزگونه ولی نام‌نگیز را گفته که «نیمی از عمر من در حسرت دیروز، نیم دیگر به امید فردا گذشته» وصف حال بسیاری از ما را بیان کرده است که نام ماندن در گذشته را «تأمل» و انتظار فردا را «امید» گذاشته‌ایم و ناگهان می‌بینیم همه آن فرداها آمدند و در لحظه‌ای به امروز مبدل گشتند و ما غافل مانده‌ایم. باز هم صبر کردیم تا فردایی دیگر به دیروز مبدل شد و گذشت، و ما باز هم فراموشش کردیم.

به راستی حد و مرز این موضوعات کجاست؟ چون فراموشی گذشته و بی‌اعتنایی به آینده هم مشکلات خاص خود را دارد و آن که تنها به امید لحظه و یا به قولی «دم را غنیمت شمردن» زندگی می‌کند نیز قسمتی

از زندگی را از دست داده است. تا کجا باید به گذشته و آینده بها داد و چه جایی می‌باید به امروز و استفاده از آن اندیشید.

به نظر من پاسخ این سؤال جمله‌ای مختصر و آماده نیست و قاعده‌ای یکسان برای همه ندارد. حتی شاید بتوان گفت در هر مقطع زندگی یک نفر نیز این حد و مرز تفاوت می‌کند. شاید بتوان عنوان کرد که این بستگی به درک و دانش آدم‌ها و تشخیص آنها در هر زمان دارد و غیر از این نمیتوان نسخه‌ای کلی پیچید. این حد و مرز فراگرفتنی است و گاهی می‌توان آن را از تجربه و زندگی دیگران آموخت.

داستان امروز هم یکی از قصه‌هایی است که انواع آدم‌ها در آن حضور دارند و نهادهای سرگزشت آنها می‌تواند تجربه‌ای برای ما باشد که آیا ما هم در رویاهای خویش نهادهای یا غصه‌خور گذشته‌ای از دست رفته‌ایم؟ آیا می‌توان ترکیبی زیرکانه را حتی به زندگی در لحظه، و تکه‌های رفته یا نرسیده از عمر را پیدا کرد شاید هم به تمثیل داستان از آسمان ما آدم‌ها، می‌توان گوشه‌ای از آبی این سست‌بند را که رویای هر یک از ماست با آرامش اکنون تلقیق کرد! تا کجا باید پیش رفت و تا چند به امروز می‌توان بها داد؟ یافتن پاسخ همان زیرکی هر یک از ماست.

اگر چنین کردیم برنده‌ایم!

بهمن رحیم

آبان ماه ۸۹

تهران

لعل لعل